

سفرنامه روسیه

(فتح قلعه گوگ تپه)

محمد حسین خان عطاء الملک

به تصحیح: دکتر مصطفی ملایی



سرشناسه	: عطاءالملک، محمدحسین خان
عنوان و نام پدیدآور	: سفرنامه روسیه (فتح قلعه کوفتیه) محمدحسین خان عطاءالملک؛ به تصحیح مصطفی ملایی
مشخصات نشر	: تهران: مهدخت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۹۱ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۱۶-۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر تصحیح یک نسخه خطی است
موضوع	: عطاءالملک، محمدحسین خان -- سفرها
موضوع	: سفرنامه‌های ایرانی قرن -- ۱۳ق.
	Travelers' writings, Iranian--19th century
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق.
	Iran--History--Qajars, 1779-1925
رده‌بندی کنگره	: DSR۱۳۲۵
رده‌بندی دیوبی	: ۹۵۵/۰۷۴۵۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۸۰۳۳۹



سفرنامه روسیه

(فتح قلعه گوگتپه)

محمدحسین خان عطاءالملک

به تصحیح: دکتر مصطفی ملایی

طراح جلد: داوود منصوری

صفحه آرا: مژگان اسلامی نظری

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۱۶-۶-۷

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۳	درباره نویسنده
۲۵	درباره نسخه
۲۵	روش تصحیح
۲۷	متن سفرنامه
۲۹	ذکر مأموریت و حرکت از ارض اقدس
۳۱	ورود به چناران و نزول در رادکان
۳۳	ورود به قوچان و ملاقات با شجاع‌الدوله
۴۰	حرکت از قوچان و ورود به فاروج و شیروان
۴۱	حرکت از شیروان و ورود به بلوک قوشخانه
۴۳	حرکت از بلوک قوشخانه و ورود به جلگه گرماب
۴۵	حرکت از گرماب و ورود به گوگ‌تپه
۵۸	ورود به عشق‌آباد و ملاقات با اسکوبلف
۷۷	ترک عشق‌آباد و بازگشت به ارض اقدس
۸۰	منابع
۸۸	نمایه

مقدمه

با درگذشت محمدشاه قاجار (۱۸۳۴-۱۸۴۸ م. / ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق.)، ناصرالدین میرزا از دارالسلطنه تبریز روانه پایتخت شد. او با حمایت روسیه و انگلیس و در پرتو کفایت میرزا تقی خان در اکتبر ۱۸۴۸ م. / ذی قعدة سال ۱۲۶۴ ق. وارد تهران گردید و بر تخت سلطنت جلوس کرد. چندی بعد نیز امیرکبیر را به صدارت برگزید. نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶ م. / ۱۲۶۴-۱۳۱۴ ق.) با شورش‌های پی‌درپی در ایالات و ولایات همراه بود. شورش حسن خان سالار پسر اللهیارخان آصف‌الدوله حاکم خراسان، فتنه باب و شورش آقاخان محلاتی از آن جمله بود. در این بین، در زیر سایه کیاست و تدابیر امیرکبیر به تدریج عوامل شورش سرکوب شده، کشور از ثبات نسبی برخوردار گردید و زمینه برای انجام اصلاحات در همه ابعاد و زمینه‌های کشوری و لشکری هموار شد. لکن عزل زود هنگام و قتل امیر مانع اصلاحات اساسی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مملکت گردید. پس از قتل امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری به صدارت رسید. در دوران صدارت وی فرایند اصلاح‌طلبی بنا به دلایل گوناگون که خارج از

حوزه این بحث است، به تعویق افتاد. آقاخان نوری نیز پس از چندی عزل گردیده، اصلاحاتی که در دوران صدارت او و پس از عزلش در پیش گرفته شده بود، با شکست روبرو شد.

در چنین شرایطی مملکت با ناآرامی فزاینده سیاسی و اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی مواجه بود. از دیدگاه سیاسی، ایران از نیمه سده ۱۹م./۱۳ق.، استقلال سیاسی خود را به تدریج از دست داده، به صورت «نیمه‌مستعمره» و تحت‌الحمایه بیگانگان درمی‌آمد. روس و انگلیس، هر دو نفوذ خود را به صورت فشرده و رقابتی ادامه داده، این امر کاملاً به ضرر حکومت مرکزی وقت تمام می‌شد و سستی و ضعف در دولت کاملاً مشهود می‌نمود. از این زمان به بعد، دولت بریتانیا و به‌ویژه تزارها از طریق اعمال فشار و گرفتن امتیازات تجاری و اقتصادی، به دامنه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود افزودند. در این بین با توجه به این که دولت قاجار از لحاظ مالی کم‌کم به این دولت‌ها وابسته می‌شد، در نتیجه هر چه زمان می‌گذشت، استقلال سیاسی خود را بیشتر از گذشته از دست می‌داد.

از دیدگاه اجتماعی نیز شرایط و وضعیت اجتماعی مردم ایران در نیمه دوم قرن ۱۹م./۱۳ق. اسفناک بود. در جامعه ایران دوره قاجار، هیچ‌گونه اصول و مقررات مدرن به‌عنوان دستورالعمل برای طبقه حاکم وجود نداشت و طبقه محکوم در معرض انواع اجحافات قرار داشتند. نه تنها، سنگینی بار مالیات و عوارض بر دوش دهقانان، کسبه، صنعتگران، تجار و خلاصه توده‌های مردم زیردست بود، بلکه خطرات طبیعی مانند قحطی، خشک‌سالی و امراض گوناگون، هستی مردم را همواره تهدید می‌کرد و وفور جنگ‌های خارجی و داخلی و شورش شاهزادگان، خوانین، ایلات و فقدان امنیت، مشکل مضاعفی بود که هم

حکومت و هم مردم با آن درگیر بود. علاوه بر آن، از آنجایی که غالباً شاهان قاجار برای درمان بحران‌های مالی مختلف، مقام‌ها و مناصب حکومت ایالتی را مزایده می‌نهادند، بار همه این مزایده‌ها و هزینه‌ها در نهایت به دوش مردم عادی بود که در پایین‌ترین رده اجتماعی قرار داشتند و می‌بایست همه این وجوه را بپردازند. این‌گونه احساس ناامنی از جانب رعایا، تقریباً در تمام طول حکومت قاجار ادامه یافت که خود نشان از عدم توجه حاکمان قاجاری به امور مردم بود.

ایران در نیمه دوم سده ۱۹م. / ۱۳ق. افزون بر ضعف سیاسی و مسائل و مشکلات اجتماعی با بحران‌های مزمن مالی نیز روبه‌رو بود. از یک سو، رشد مناسبات تجاری با کشورهای سرمایه‌داری و واردات بی‌رویه اجناس، مصنوعات، خصوصاً منسوجات ارزان قیمت غربی از دهه ۱۸۴۰م. / ۱۲ق. تأثیری کاهنده بر تولید صنایع دستی ایران گذاشته، به تدریج موجبات نابودی آن را فراهم ساخت. از سوی دیگر، در راستای تأمین کسر موازنه بین صادرات و واردات کشور و تهیه ارز لازم برای واردکردن کالاهای مورد احتیاج طبقه حاکم و سایر پرداخت‌های دولت، کشت فرآورده‌های کشاورزی نقدینه‌آفرین با جنبه صادراتی نظیر تریاک، توتون و پنبه به جای فرآورده‌های غذایی مانند گندم و سایر غلات رواج یافت؛ بنابراین، زمین‌های زیر کشت غلات به کشت محصولات جدید اختصاص یافت. مهم‌ترین نتیجه چنین تغییرات در ماهیت تولید محصولات کشاورزی این بود که نوسانات قیمت مواد اولیه در بازار جهانی به شدت بازار داخلی ایران را چه در بخش تجاری و چه در بخش کشاورزی تحت تأثیر قرار داده، باعث بروز خشکسالی و زمینه قحطی‌های فراوانی را در نیمه دوم قرن ۱۹م. / ۱۳ق. فراهم کرد.